



21 آگست 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

## مجموعه ارشادات و بیانات شاه امان الله غازی

### حین لویه جرگه 1303

به مناسبت نود و نهمین سالگرد استقلال کشور

(قسمت پنجم)

نظریات و مشاورت لویه جرگه در مسایل داخلی

#### روز یکشنبه (۲۹) سرطان بعد از ظهر

بحث در ان روز از "نظامنامه اساسی دولت علیه افغانستان" آغاز گردید و پس از آنکه نظامنامه مذکور از اول تا آخر بوسیله منشی قرائت شد، مباحثه در اطراف موضوعات مندرج آن شروع شد. یک تعداد وکلاء صیحت کردد از جمله: مولوی عبدالواسع برماده (۲) اعتراض نمود که: «این نظامنامه در غیاب من ترتیب شده و بعض مسائل ضعیفه شرعیه در آن داخل است اکنون باید اصلاح شود. درین ماده بعد از لفظ آداب عمومی علامات فارقه شرعی نیز ایزاد گردد تا در بین اهل هنود و مسلمانان مانند سابق فرق و امتیازی که از آن ظاهراً شناخته شوند، باشد.» و فیض محمد وکیل علاوه کرد و گفت: «مراعات و نوازشاتیکه اعلیحضرت غازی بهندو های مملکت افغانی عطا و مرحمت فرموده اند بهمه شما معلوم است که نه تنها در مملکت همسایه ما هندوستان بلکه در جمیع اهل هنود جهان قدر و قیمت و عزت و شرف افغانستان را دو چندان نموده است. اکنون اگر ما آن مراعات را که وجود آن در امورات مذهبی و اصول مقدس دینی ما هیچیک نوع خرابی و ضرری را که عائد نمیکند، از سر آنها برداریم، معلوم است که اهل هنود افغانستان در این باب هیچ داد و فریادی را نخواهد برداشت، لکن اثرات این مفکوره ما در هندوستان و بنظر دیگر اهل هنود جهان بسیار خراب آمده بجای منافع در سیاست برای ما مضراتی را تولید خواهند کرد.»

**اعلیحضرت** (نیز بتائید فیض محمد خان پرداخته یک بیانیه مطولی را در اتحاد هندو و مسلم هندوستان و فوائد آن و ذکر همدردی اهل هنود را بامسلمانان در موقع جنگ جهانی عمومی و در مسائل ترکیه و تحریک خلافت و در حصول استقلال هند و افغانستان ایراد کنان) فرمودند: «اگر ما تکلیفی را که از آنها مرفوع و مراعاتی را که بدانها داده ایم، دو باره مانند سابق اجراء نمائیم، معلوم است که در آن چیزی فایده نمیشود برعکس خدا نا خواسته افغانستان موجب نفاق و شقاق اتحاد و همدردی موجوده هندو و مسلم هندوستان خواهد شد و دشمنان در این موقع دست یافته باندازه این دو کتله عظیم الشان نوع بشری را از هم دور و با همدیگر خواهند انداخت که یکی بخوردن خون دیگر آماده خواهند شد. نی! لازم نیست که ما و شما برطبق مقررات دینی خود با آنها معامله نمائیم و مراعاتی را که به آنها داده ایم باید از آنها برداریم و ما آنها را جهت امتیاز هندو و مسلمان امر تاکید قشقه زدن را بنمائیم و محض جهت مراعات جذبات شما علمای اسلام اعلام آنرا از بستن دستار سفید نیز مانع خواهیم شد. تصور نکنید که از این مراعات هندوهای افغانستان از ملت و یا حکومت سرکشی خواهند نمود و یا قوتی را اکتساب خواهد کرد و روزی آنرا برخلاف مسلمانان استعمال خواهند نمود، زیرا هنود افغانستان مانند

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

دیگر سکنه افغانستان کاملاً حب وطن و تحفظ نام و ناموس و شرافت افغانی را حمایه و حفاظت میکنند. چنانچه در موقع جهاد همین هندوها بهمراه غزاه و عساکر ما بمقابله انگلیس رفته بودند و در همه گونه خدمات و بر داشت تکالیف یک گام پیشتر از تبعه افغانستان همیگذارند.»

**اعلیحضرت:** (بعد از قرائت ماده که در آن بار حکومت و مسئولیت بر دوش وزراء بوده ذات ملوکانه غیرمسئول قرار داده شده) فرمودند که: «این لفظ غیرمسئولیت را مجلس شورا و وزراء بر خلاف خواهش من و میل من ایراد نموده اند. حالانکه من خودم را ایماناً و وجداناً و عقیدتاً غیرمسئول در ا جرات سلطنت و مملکت نمی انگارم و انصافاً میگویم در صورت عزل و نصب و تنزیل و ترفیع وزراء و مامورین را خودم مینمایم، باید ضرور در بدنامی و نیکنامی آنها نیز خود را بدرجه اول مسئول بانگارم. خدای خود را شاکرم که مرا یک پادشاه عیش پرست، تنبل و کاهل نیافریده است تا خودم در خانه نشسته مشغول لهو و لعب و ساعت تیری بوده متسلی باشم که کار های مملکت را وزراء میکنند. نی! خداوند شاهد است (و کفی با الله شهیدا) خودم بنفس خود در هر وزارت طوری کار میکنم که یک وزیر بسیار جدی و فعال کار کند. از این رو این لفظ غیرمسئولیت در اینجا بیمعنی است و من خودم را بهمین یک لفظ از این بارگران امانت خالق منان سبکدوش و غیرمسئول گفته نمی توانم زیرا که مردن دارم و خداوند از من بروز حشر خواهد پرسید.»

**اعلیحضرت** (مولوی عبدالواسع را که بر جریان امور بعضی از وزارت ها انتقاد داشت، مخاطب قرار داده) فرمودند: «اعتراض شما بیجا ست و کار های عموم وزارت ما تاجائیکه قوه بشری متحمل شده می تواند، خوب است و درست، تنقید را که سوء انتخاب وزارت داخلیه مینماید و عدم تطبیق مرض و معالجه را بیان داشتید، جداً قابل اعتراض است زیرا انتخاب مامورین تنها تعلق به وزیر داخلیه ندارد بلکه مجلس مامورین آنرا انتخاب و وزیر آنرا تصویب میکند و در هنگام انتخاب و منظوری هیچ یک از مامورین بصفات و خصائیکه بعد از گذاره یکسال بعضی از آنها بدان مشتهر میشوند، دیده نشده است. در صورتیکه یک حاکم و مامور در حین مقرری، شخصی درست و متدین و ذی اخلاق بنظر می آید بعدها کار خراب بکند، آیا ذمه داری آن عائد بحکومت است؟ در صورتیکه تنها وزیر داخلیه او را بدون تصویب مجلس مقرر کند و یا آن مامور ظاهراً خراب گفته شود و یا بعد از شکایت و خرابی آن او را زیر محاکمه و استنطاق نیاورده باشد و یا بعد از اثبات جرم او را محکوم بجزا ننموده باشد، معلوم است که وزیر داخله مسئول است و الا اگر قاعده یک شخص درست ثقه را به تصویب عمومی بکاری بر گمارد، وی بمحل ماموریت خود رفته بر خلاف توقع یک کار خراب بکند آیا مسئول آن حکومت است؟ پس چرا اولیاء الله و اشخاص صاحب دیانت و با صفا با وجود ریاضت کثیر و عبادت بسیار، دفعتاً در آخر عمر و یا در وقت نزع گمراه و پیرو شیاطین میشوند.

(ای بسا ابلیس آدم رو که هست +++ پس بهر دستی نباید داد دست)

آنچه که نسبت بمعارف گفتید بخیالم بجز از اینکه وزیر معارف شما را از شعبه کار خود موقوف نموده و شما شکایت شخصی خود را بصورت تنقید بروی عائد میکنید، دیگر امری نخواهد بود، (دشمن طاوس آمد پر او) زیرا تا حال امورات معارف بسیار خوب و کارروائی او تما ماً قابل تقدیر است. سلمنا اگر یکی از وزراء مرتکب جنحه و جنایت و یا به زیر دیگر مسئولیت بیاید، مرجع و محل باز پرس آن مجلس دیوان عالی است نه شما. پس از کدام رهگذر شما میخواهید وزرایم را به زیر استنطاق بیاورید و تنقید بر آنها میکنید. مطلب اینکه اعتراض ملا عبدالواسع خارج از مبحث است و تنقید را که نموده ملا خبط و خطا کرده است. در مواد مجلس بحث کنید.»

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

**اعلیحضرت** (در ذیل از آن ماده که در آن ذکر صدراعظم بود) **فرمودند:** «بعضی از حضرات خواهند گفت که در این نظامنامه نام صدراعظم است و نشانی از آن بنظر نمی آید، لهذا معروض میدارم چون خودم یک مرد جوان و شوق و محبت فوق العاده را نسبت بخدمت ملت و مملکت خود دارم و هم رجال دانشمندی را که متحمل همه یک بار گران مملکت شده بتوانند، سراغ ندارم و هم خواهشمند نیستم که ما بین من و ملت من یک سد و حائلی در میان باشد، از اینرو فعلاً تا وقتیکه میتوانم این کار را علاوه بر ایفای وظایف امارت بردوش خود گرفته ام، چنانچه فعلاً این کاری را که در لویه جرگه با شما مینمایم، حیثیت صدارت عظمی را دارد و اموراتیکه بعد از فراغ مجلس در شب و صبح و عصر اجراء میکنم، از وظایف پادشاهی است و من شاکر که اکثری از مامورین به همین خیال و مسلک من رفتار داشته شوق مزیدی در انجام مهام مملکت خویش دارند، چنانچه رئیس صاحب عمومی شورای دولت هم کارهای وزارت خارجه را بصورت و کالت مینماید و هم امورات شوراییه را بقسم اصالت ایفا مینمایند.»

مولوی کامه در ذیل ماده که در آن ذکر آزادی عامه است، معروض داشت که مقصد از لفظ آزادی در اینجا فقط آزادی شخصی و ذاتی عموم افراد افغانستان بر طبق شریعت و فرمایش حکومت است. لکن در بین عوام چنان افواه است که مطلب از آزادی، آزادی ادیان و افعال غیرمشروع و رقص و سرود و ملاعب [جمع لعب] و نواهی و اعمال نارواست.

**اعلیحضرت** (در این جا یک بیانیۀ تأسف آوری از حد طولی را بیک جدیت فوق العاده ایراد کرد) **فرمودند:** «مقصد از این آزادی، آزادی است که بر طبق مقررات شریعت غرای احمدی و هدایات حکومتی هر شخص از مظالم و دست اندازیهای غیرمشروع دیگر افراد آزاد و کاملاً حریت شخص خود را مالک باشد تا آن خرابیها و دست درازیهائیکه سابق برین بر مال و جان و ناموس و شرف ذاتی اشخاص رعیتی هر روزه از طرف مامورین دولت و اشخاص صاحب رسوخ و اعزۀ ملت در معرض اجراء می آمد، مرفوع و مدفوع گردد.»

**اعلیحضرت** (کلامش را بسوی سازها و سرودها و مطرب ها و بازیگرانیکه در اعصار سابق کسب شدت و کثرت داشتند، نموده ذکر لواطت و رقاصی ها و دیوانه بچه های بخارا را که یگانه موجب تباهی و خرابی آن مملکت شد از همان اعمال است) **فرمودند:** «آیا در دوره حکومتم بازیگریرا احدی بجای می بیند؟ آیا در نظامنامه عمومی جزای عمومی برای انسداد امثال این اعمال نامشروع مجازات مکفی معین نگشته است؟ آیا طلاب و از عده علمای نادان در آن آوان در مساجد و بساتین حتی در کوچه ها و بازار ها نمیرقصیدند و رقصهای فاحشه را بروی کار نمی آوردند؟ شما راست که بسوی معانی حقیقی مواد نظامنامه متوجه شوید و الا اگر تأویلات بنمائید، پس از امثال این تأویلات کلام پاک و خالق کائنات خلاص نشده، مردمان منافق و خود غرض آیات بنیات او را از خود ترجمه و تأویل نموده برای افعال نامشروع خود تمسک میگیرند، پس احکام من عاجز را چطور تعبیرات غلط خواهند کرد؟ بهمین واسطه تفرقه و تشتت را در میان ما و شما نخواهند انداخت؟ یکی از ثمرات لذیذۀ آزادی این است که شما علما و فضلا و مشایخ و وکلاء و اعزۀ ملت امروز بحضورم حاضر و آزادانه اظهار افکار و آراء خودها را می دارید.»

**اعلیحضرت در ادامه خطاب به وکلاء فرمودند:** «اگر شما بدین آزادی که بر طبق اوامر شرعی است، رضا مند نباشید، بسیار خوب اینک مرا اجازه بدهید مجلس را فتح کنم و بقصر خود رفته هر چه خواهش داشته باشم، کارکنم. اگر احدی به پیشگاهم بیاید و چیزی مخالف و رضایم بعرض رساند،

علی الفور مانند زمانه های سابق دهانش تا گوشه‌هایش پاره کرده شود، هر روز و هر شب بصد ها نفر را بانواع و اقسام بقتل برسانم و تمام اجراءات و خواهشاتم را بچنان قطعیت در معرض اجراء گذارم که احدی را طاقت چون و چرا نباشد نه تنها از افغانستان بلکه از کره ارض هیچ و هراسی ننمایم. نی! ابداً من از این لفظ آزادی آن معانی را که دشمنان ما انتشار داده اند، بخیال ندارم و یک سری موی از احکام شرعیه تخلف و تجاوز را روادار نیستم و (والله) که ایمان و اسلام و عقیده خود را پاکیزه تر از عموم شما میدانم و برآن مسلمان و حاکم و پادشاه اسلام هزار هزار بار لعنت میگویم بر خلاف شرع انور کار نماید و یا رفتاری را اختیار کند و باید این سخن را هم بشما بدانم که من همراه شما ملت خود سیاست و انتریک [عمل تمثیلی] نمی نمایم و بخدا چیزی که بدل دارم همه آنها را بزبان آورده بگوشه‌های تان میرسانم و باز اگر بر کدام فکر و رأی که مفید دین و ملت من باشد، قایم گردم اگر عالم بر خلاف من شود و یک جهان عائقه و موانع به پیشگاهم حاضر شود و بالای من بارانهای گله و توپ و تفنگ باشد، (والله) که از این فکر خویش نخواهم گشت. پس بدانید و خوب بفهمید کلمات و اتهامات را که بدخواهان افغانستان در میان ملت و حکومت تان افکنده سرا پا بغرض جدائی و خرابی ما و شما است. اکنون که شما از خیالات من مطلع و حسیاتم را درک کردید، ضرور عموم ملت ام را نیز از حقایق اطلاع داده عموم را بیک راه و یک فکر و خیال متحد و متفق خواهید کرد.»

فیض محمد وکیل عرض کرد: اعلیحضرتا! باید جهت اخراج آن مذاهبی که بعقیده خویش خود را مُسلم پنداشته در حقیقت موجب نفاق افگنی در بین امت ناجیه (محمدی) میشوند، بمانده (۱) در اخیر فقره دین افغانستان دین اسلام است مانند ایرانیها که در دستور اساسی خویش لفظ "شیعه" را افزوده اند، چیزی ایزاد کرده شود، بخیال من بهتر است. همچنان یک ملای ترکستانی یک حدیثی را از کتاب الفتن مشکوة شریف که در آن ذکر فرقه بندیها در اهل اسلام و خروج ادیان باطله و مسلکهای نامشروع در میان امت احمدیه و ظهور فتنه در بین مسلمانان و عدم اطاعت او الامر بود، قرائت و ترجمه کنان در اخیر اظهار داشت که باید ضرور بر تحدید مذهب حقه اسلام و عدم رواج دیگر مذاهب و ادیان تصریح کرده شود. مولوی فضل ربی نیز یک بیانیه مطولی را ایراد کنان در آن بطالت و خرافات تمام مذاهب جدیده مخصوصاً قادیانی ذکر نموده و در ختم کلام خود را برین مسئله نموده که کتب اسلام قادیانی و امثال آن دیگر مذاهبی را که مجدداً بغرض مزید تفرقه و جدائی عالم اسلام بمنصه شهود آمده اند، مسلمان نمی انگارد، حتی علمای اسلام ما چنین فیصله نموده اند قادیانی را که منکر ختم نبوت است، هرکس که مسلمان بگوید، آن شخص نیز کافر است، لهذا حاجت قید و ایزاد دیگر الفاظ برای اخراج جدید الظهور که کافرند، لزومی ندارد.

**اعلیحضرت** (در جواب آنها) **فرمودند:** «اگر در دستور اساسی خویش لفظ سنت و الجماعت را تحریر کنیم، آیا اینقدر شیعه را که بدولت ما میباشند، چه خواهیم گفت و بدانها کدام معامله و شیوه برادرانه را مرعی و معمول خواهیم داشت؟ ضرور یک نفاق ما بین خود ما تولید خواهد شد، از طرف دیگر شما با دولت ایران معاهده دوستانه و برادرانه کرده روابط محبت و وداد [دوستی] را مستحکم نموده اید و از جانب دیگر جهت اخراج آنها همچو الفاظ را تحریر مینمائید. بخیال خودم باید چنین لفظی در اینجا تحریر شود که مذاهب قدیمه که در افغانستان موجود اند، مانند شیعه ها آنها نیز تحت تامین بیابند و دیگر مذاهب جدید الخرج نیز از میان بر داشته شود و تبلیغ و اشاعت آن در مملکت مان مسدود باشد. خودم علی العموم احساسات جرگه را مطلع شده از طرف عموم و کالتاً عرض میدارم اگر پسند خاطر تان افتد (نعم المطلوب) و الی باز میدان مباحثه و مذاکره برایتان حاضر است. در نظامنامه

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

اساسی بنویسد که: دین افغانستان دین اسلام و مذهب رسمی آن مذهب حنفی است و در نظامنامه جزای عمومی برای ادیان باطله که نو ظهور کند و در افغانستان خیال تبلیغ و اشاعت مسلک خود را بنماید، مجازاتی را برطبق شریعت مقرر و معین دارید.»

پادشاه گلجان بر ماده که در آن ذکر شورای دولت و مجلس وزراء است، اعتراض کنان گفت که باید در این مجلس علماء نیز حاضر باشند تا پاس و مراعات مسائل اسلامی و مقررات کتب دینی را ملاحظ کنان چیزهای را که برای مسلمانان موجب ترقیست، زیر نظر گرفته بحث نمایند.

**اعلیحضرت در جواب موصوف فرمودند:** «آقا اینطور نیست که وزراء ما جاهل اند و یا از احکام دینی خویش غافل، البته هر وزیر و هر عضوی مجلس مشوره تایک درجه عالم است که بر خلاف مقررات شرعی کار نکند و علاوه بر آن جناب حضرات صاحبان شور بازار کابل نیز یکی از اعضای مجلس عالی وزراء میباشند، این سؤالیست که باید شما از آنها بکنید که چرا اوشان منتظماً در مجلس عالی وزراء حاضر نمیشوند و حصه نمیگیرند.»

مولوی کامه عرض کرد: «اعلیحضرت! طوریکه دیگر مامورین در صله حس خدمات و کارروائیهای درست ترقی ترفیع می یابند، چرا وکلا مجالس مشوره و علاقاریها و حکومت های سه گانه و حکومت های کلان و اعلی و نائب الحکومه گیها در صورتیکه در حسن خدمات خویش نامی نیک را حاصل کنند علی حسب المراتب بمقامات عالییه حسب الترتیب ترقی نمی کنند، بایستی قانونیکه در صورت حسن خدمت و ابراز لیاقت و فعالیت و کلاء، یک وکیل از علاقه داری تا بمجلس عمومی شورای دولت ترقی کرده بتواند، وضع شود و نیز در مجالس مشوره تا حینیکه علماء و فضلا، دستیاب شود، دیگری را وکیل منتخب ننمایند.»

**اعلیحضرت در جواب فرمودند:** «ملا صاحب! انتخاب و کلاء کار ملت است، ملت اختیار دارد که ملا باشد یا فقیر، یا یک شخص عامی بالاخره هر شخص را که ملت بر آن مطمئن باشد و بداند که بدون از خیر ما دیگر چیزیرا نمی سنجد، وکیل مقرر کند. حکومت را در مسئله انتخاب هیچ حق مداخله نیست بلکه هر فردی را که ملت منتخب کند عام از اینکه سید باشد، ملا و دلاک باشد، یا جولاً ، حکومت بنظر احترام بسوی او نگرسته او را حق شمولیت مجلس و اعطای رأی را اعطا میفرماید و اینرا هم باید ضمناً بگویم که در سید، ملا، فاضل، عالم، سردار، خوانین و اعزه ضرور بد کردار و بد هنجار و بد سلوک پیدا میشود، لکن وکلاء که یک جمع [جم] غفیری از ملت تصدیق راستی و خوبی و صفای او را میکند و او را بر مقدرات آتیه خویش وکیل و بر پیش آمد های مهمه خود کفیل مقرر میدارند، گاهی بد شده نمی توانند و اینکه فرمودید باید وکلا بواسطه حکومت ترقی بکنند بالکل غلط. زیرا وکیلی که به ترقی تا مجلس شورای عمومی نظر خود را دوخته باشد، حتمی و ضروریست که بدون از اشارات و هدایات علاقه داریها و حکام که آنها را ذریعه ترقی خود میداند، کاری نمیکند و مفاد ملت را بزیر پای انداخته و فائده خود را در نظر میگیرند و بمقابل همه گونه فرمائشات جائز و نا جائز زمام داران، اگر چه بضرر ملت باشد، سر تسلیم را خم می کند که در نتیجه حق تلفی ملت من شود و من ابداً نمیخواهم که حقوق یکی از تبعه افغانی بنا بر اغراض شخصی سلب و نابود گردد و خدا نخواستہ خواری برای ملت عائد آید. آیا وکیلی که بحکام امیدی داشته باشد و به ایما و اشاره شان کار کند، باز حق خواهد گفت و حق ملت را نخواهد ماند که تلف شود؟ فقط ترقی یک وکیل وابسته بحسن خدمات و منفعت جوی اوست برای ملت که ملت او را مکرراً باز وکیل

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

انتخاب کرده حتی اگر فائده بسیاری دیدند، شک نیست که بدون سلسله مراتب دفعتهاً او را به عضویت شورای دولت ارسال دارند.

این را هم باید ناگفته نگذاریم که در میان ملت هم حق انتخاب را بیشتر از دیگران کسی دارد که برای دولت محصول و یا مایه و یا حق گمرکی و یا محصول مواشی را میدهد و یا شخصاً بحکومت خدمات مینماید، زیرا که آنها در منفعت و مضرت حکومت خود را شریک میدانند.»

**اعلیحضرت درباره بودجه فرمودند:** «بودجه را آیا میدانید که چیست؟ بودجه یعنی تعیین دخل و خرج یک مملکت که بدانند چقدر دخل دارم و بکدام اندازه مخارج، این یکی از ضروریات دولت است، چرا تا که حکومت دخل خود را نداند، خرج از کدام رهگذر کرده میتواند. در افغانستان در زمان اعلیحضرت امیر شیرعلی خان سنجیدند تا معلوم کنند که خرج از دخل اضافه نباشند، موفق نشدند و هم در وقت ضیاءالملت والدین بسیار کوششها کردند تا حکومت دخل و خرج خود را بدانند به بسیار زحمات و تکلیف یکطرزی را اختراع کردند که آنرا (خلاصه نویسی) میگفتند. باینقدر کوششها و سعی های شان چون در همه ولایات اوراق آنرا روانه نمودند، تنها از یک (هرات) دخل و خرجش رسید، باقی جایها نتوانستند که خلاصه را میساختند. من عاجز کوششهای کردم شب ها و روز ها کار کردم تا این بودجه را ترتیب دادم و الحمد لله که بمقصد خود کامیاب گردیده فخرانه حال از آن به بسیار سهولت و آسانی کار میگیریم. فائده اش این است که در سابق هر کس در خانه خود نشسته و یا در دیگر کار ها مشغولیت میداشت و از دولت مفت و رایگان بهزار ها روپیه در سال بخانه اش میرفت که یک پیسه آنرا ملت بیچاره به بسیار زحمات و بعرق ریزی پیشانی خود جمع میکردند و بدولت تحویل مینمودند. هزار افسوس که آن ظالم خودش نمی گفت که آیا چه خدمت بدولت مینمایم که این پیسه را در مقابل آن حق الزحمه خود میگیرم. حال بودجه اجازه نمی دهد که باحدی یک پیسه را بی آنکه یک خدمت برای دولت و ملت کند، داده شود. اگر کسی حال در باب بودجه گفت و گوی داشته باشد، چنانچه قبلاً یکی از شما گفته بود در این فرصت بخیالم موزون نخواهد بود که چرا ما بودجه را از سرسال ابتداء ماه حمل (۱۳۰۲) ترتیب داده ایم و در آن زمان همین وکلاء شما و وزراء حاضر بوده و بعد از تصویب آنها امضاء نمودم و حال میانه سال است چیزها را که در آن کرده ایم تبدیل و تغیر نمی شود. با اینهم اگر کسی در این موضوع خواهش مباحثه را داشته باشد، بعد از اینکه معلومات کافی را در آن موضوع بدست بیاورد، در ابتداء سال آینده حاضر هستم که باو مباحثه نموده شبهه شانرا رفع نمایم. ...»

**اعلیحضرت در ادامه بحث آن روز فرمودند:** «خدای را شکر میگویم که قواعد و اساس هائیرا که در این مدت پنجسال به بسیار زحمت و عرق ریزی ترتیب نموده بودیم، تا یکدرجه بفکر شما ملت رسید. اگر قدری بنظر انصاف ببینید حکومت شما در هیچ امری بمضرات شما و خلاف شرع شریف رفتار نکرده است و بعد از این هم نخواهد کرد و بغیر از راه دین اسلام به هیچ یکراه نرفته و نخواهد رفت. خدا شاهد است که همیشه حکومت شما و من عاجز پابندی دین اسلام را داشته و آرزومندم که آخرین قطرات خون خود را در راه اعلائی کلمه الله و خدمت اسلام بریزانم.»

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ